

هو الله - ای احباء و اماء الرحمن نامه‌ئی از محفل...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (26) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء، جلد
3، صفحه 83

(26)

کالیفورنیا - بواسطه جناب مستر و میسس بکت لاس انجلیز و سائر شهرهای کالیفورنیا احباء و اماء الرحمن
علیهم و علیهن البهاء الابهی

هو الله

ای احباء و اماء الرحمن نامه‌ئی از محفل روحانی لاس انجلیز رسید دلیل بر آن بود که نفوس مبارکه کالیفورنیا
مانند جبل راخ مقاومت اریاح نقض مینمایند و چون اشجار مبارکه در ارض میثاق ریشه نموده‌اند و در نهایت
متانت و ثباتند لهذا امید از الطاف شمس حقیقت دارم که روز بروز بر متانت و استقامت بیفزایند امتحانات هر
امری بقدر عظمت آن امر است چون تا بحال چنین میثاقی صریح بقلم اعلی وقوع نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم
است این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید ولی در نفوس قویه امتحان چه تأثیر دارد این شبهات نقض
مانند کف دریاست و دریا بی کف نمیشود بحر میثاق یک موج زند تا اجسام میته را بکار اندازد زیرا دریا
جسم مرده قبول ننماید اینست که بحر میثاق موج زد موج زد تا اجسام میته را بیرون انداخت یعنی نفوسی را



ORIGINAL

که از روح الهی بی بهره‌اند و تابع نفس و هوی هواء ریاست در سر دارند باری این کفهای دریا بقائی ندارد
 عنقریب محو و نابود گردد ولی دریای میثاق الی الابد پر موج است و در جوش و خروش ملاحظه کنید که
 حضرت مسیح روحی له الفدا بجهت محافظت وحدت مسیحی در حق پطرس فرمودند تو صخره‌ئی و بر این صخره
 کلیسای خود را بنیاد نهم این کلمه سبب شد که جمیع خاضع و خاشع شدند و هزار سال وحدت مسیحی
 محافظه گشت با وجود اینکه اینکلمه امر بتوجه و متابعت نیست و روایت است که حضرت مسیح چنین
 فرمودند با وجود این در دریای مسیح هر چه کف پیدا شد محو و نابود شد و هر جسم مرده که طالب زخرف
 دنیا بود آنرا بکاره انداخت حال حضرت بهاءالله باثر قلم اعلی کتاب عهد مرقوم فرمود و نام آن را کتاب عهد
 گذاشت و از جمیع عهد و میثاق گرفتند اول خطاب باغصان و افنان و منتسبین فرمودند که توجه بمرکز میثاق
 نمایند و بنص کتاب اقدس مرکز میثاق را مبین کتاب فرمودند که از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر
 مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده با وجود این این کفها را در بحر میثاق بقائی ممکن لا والله ناقضین
 آبروی خویش را میبرند و تیشه بر ریشه خود میزنند مغرور بچند نفس چاپلوسند که در نهایت تملقند که از
 شدت تملق بعضی نفوس ضعیفه را متزلزل مینمایند لکن این عاقبت ندارد سراب است نه آب کف است نه
 دریا مه است نه ابر مجاز است نه حقیقت عنقریب خواهید دید باری شما که الحمد لله ثابت و راسخید شکر کنید
 که مانند اشجار مبارک که در ارض میثاق ثابت و راسخید و یقین است که هر ثابت نابت است اثمار جدیده بیار آرد
 و روز بروز بر طراوت و لطافت بیفزاید بجمیع الواح مبارک بهاءالله چه از آیات و چه از مناجات ملاحظه کنید
 که البته در هزار موقع مناجات فرمودند که خدایا ناقضین میثاق را معدوم کن و مخالفین بعهد را مغلوب نما و
 هر نفسی که نقض عهد و میثاق نماید مردود حق است و هر نفسی که ثابت بر عهد و میثاق است مقبول
 در گاه احدیت و از این قبیل آیات و مناجات بسیار مراجعت نمائید خواهید یافت باری شما ابا ملول نشوید آنچه
 نقض بیشتر دیدید بر ثبات و استقامت بیشتر بیفزائید و یقین کنید که جند الهی غالب است زیرا مؤید بنصرت
 ملکوت ابدی در جمیع آفاق علم اهل ثبوت و استقامت بلند است و علم نقض منکوس زیرا معدودی قلیل از
 نفوس ضعیفه فریب تملق و تذلل ناقضین خورده‌اند و در نهایت ستر بظاهر اظهار ثبوت مینمایند و در باطن
 بتحریک مشغولند مگر چند نفر که اصل محرکین نقضند آنان متظاهر بنقضند و مابقی معدودی قلیل بلطائف
 الخلیل نفوس را فریب میدهند زیرا بلسان اظهار ثبوت و استقامت بر عهد میکنند ولی چون گوش بیابند خفیا
 القای شبهه مینمایند جمیع اینها مانند نقض عهد یهودی اسخریوطی است ببینید هیچ اثر و ثمری از آنها باقی
 بدرجه‌ئی که از اتباعش اسمی باقی نمانده مثل اینکه اتباعی نداشته با آنکه جمعی از یهود با او همدستان بودند این
 یهودی اسخریوطی که رئیس حواریین بود حضرت مسیح را به سی درهم فروخت فاعتبروا یا اولی الابصار
 حال این نفوس مهمله ناقضین مرکز میثاق را بمبالغی که بانواع حیل گدائی کرده‌اند البته میفروشند سی سال
 است که حضرت بهاءالله صعود نموده و این ناقضین بتمام همت کوشیدند آیا تا بحال چه کرده‌اند در جمیع مواقع
 ثابتین بر میثاق مظفر بودند و ناقضین مغلوب و مردود و منحوس و بعد از صعود عبداله‌اء اثری از اینها باقی
 نخواهد ماند این نفوس نمیدانند چه خواهد شد مغرور باوهم خودند باری ای احبای الهی و اماء رحمن دست

قدرت الهی تاج مرصعی از برای شما ترتیب داده که جواهر زواهرش الی الابد بر آفاق میتابد قدر این موهبت
را بدانید و بشکرانه آن لسان بگشائید و بترویج تعالیم الهی پردازید زیرا این روح حیات است و سبب نجات و
علیکم و علیکن البهاء الابهی (ع ع) بهجه ۲۳ تموز ۱۹۱۹